فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۵، شماره ۹، تابستان سال ۱۳۹۹

اثربخشی موسیقی درمانی بر هوش عملی و خلاقیت کودکان ۵ تا ۷ سال شهر تهران

زهرا جعفری[۱]

چکیده

هدف پژوهش حاضر اثربخشی موسیقی درمانی بر هوش عملی و خلاقیت کودکان ۵-۷ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۹ است. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش همه کودکان ۵ تا ۷ سال منطقه ۵ شهر تهران بود ۳۰ نفر از کودکان ۵ تا ۷ سال، با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب، و به صورت تصادفی در گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) قرار داده شدند. گروه آزمایش ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه ای تحت موسیقی درمانی قرار گرفتند و گروه کنترل در طول این مدت در انتظار درمان ماندند. جهت سنجش هوش عملی در کودکان از آزمون وکسلر کودکان (WPPSI-R) و پرسشنامه خلاقیت تورنس (۱۹۹۰) استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار SPSS20 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام پذیرفت. داده های بدست آمده با روش تحلیل کوواریانس نشان دهنده تفاوت معنادار بین میانگین نمرات هوش عملی و خلاقیت در دو گروه آزمایش و کنترل بوده است و موسیقی درمانی بر افزایش هوش عملی (α=./۰۵) و خلاقیت (α= ./۰۱) کودکان ۵ تا ۷ تاثیر معنادار دارد. با توجه به اثربخشی موسیقی درمانی در هوش و خلاقیت لازم است برنامه های گسترده ای با هدف ارتقای توانایی خلاقیت و هوش کودکان طراحی گردد که محتوای آن مبتنی بر آموزش موسیقی باشد.

واژگان کلیدی: موسیقی درمانی، هوش عملی، خلاقیت

[۱] کارشناسی ارشد، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۵، شماره ۹، تابستان سال ۱۳۹۹

مقدمه

دنیای پیچیده ی امروزی هر لحظه در حال تغییر و تحول و نو شدن است و لازمه ایجاد و استمرار یک زندگی موفق، سازگاری با این تغییرات سریع و پیچیده می باشد. برخورداری از توان سازگاری با این تغییرات چشم گیر و سریع و قدرت تاثیرگذاری بر رویدادهای پیرامونی، مستلزم خلاقیت می باشد. نیاز به ابتکار و نوآوری که زمینه ساز ارضای انگیزه ی تنوع طلبی و شکوفایی استعدادها و توانایی های انسان است، به صورت بالقوه در افراد نهادینه شده است، که باید با تلاش افراد و یاری جامعه به فعل درآید (پاکیزه، ۱۳۹۴). جوامع و فرهنگ ها نیز برای زنده ماندن و گریز از مرگ، و برای خلق نشاط و پویایی و بالندگی به تحول و نوآوری نیاز دارند (آیچونی[1] و همکاران، ۲۰۱۵)، لذا استفاده بهینه از استعدادها و توانایی های افراد جامعه که غنی ترین سرمایه ملی است، در هر زمانی مورد توجه ویژه سیاستمداران و برنامه ریزان تعلیم و تربیت می باشد. کشورهایی می توانند به توسعه و بالندگی رسیده و نقش موثری در نظام جهانی ایفا نمایند که به منصه ی ظهور رسانیدن استعدادهایی هم چون: خلاقیت، تفکر و مساله یابی و مساله گشایی را جزو اهداف مهم آموزش و پرورش قرار دهند. بر این اساس تربیت افراد خلاق، نوآور و سازنده باید از سال های نخستین زندگی شروع شود (تورنس[2]، ۱۹۶۰؛ به نقل از کیوانی و جعفری، ۱۳۹۴). نظیر[3] (۲۰۲۰) معتقد است که خلاقیت توانایی فرآیندهای ذهنی است که به خلق راه حل ها، ایده ها، ادراکات، نظریه ها یا تولیداتی منجر می شود و منحصر به فرد می باشد. تورنس بیش از پنجاه سال به عنوان یکی از پیشگامان پژوهش در مورد خلاقیت و تفکر خلاق بوده است. به عقیده تورنس همه افراد استعداد و خلاقیت دارند و این خلاقیت به روش های مختلفی می تواند افزایش یابد یا سرکوب شود (فیدن و اوزتارک[4]، ۲۰۱۵). خلاقیت هم مانند سایر استعدادهای بشری برای رشد و شکوفایی نیاز به دو شرط اساسی دارد: ۱. وجود استعداد که البته در همه کودکان و نوجوانان کم و بیش وجود دارد، ۲. محیط مناسب برای رشد و شکوفایی استعداد. بنابراین رشد خلاقیت نیازمند محیط آموزشی مناسب می باشد (والاچ و کوگان[5]، ۲۰۲۰). تورنس (۱۹۸۳) چهار عامل سیالی، انعطاف پذیری، بسط و ابتکار را به عنوان ویژگی های خلاقیت بر می شمارد. لذا یکی از اهداف متعالی نظام آموزشی هر جامعه ای بالا بردن سطح توانایی های شناختی دانش آموزان است که، عدم توسعه خلاقیت در افراد ناتوانایی در کنترل موقعیت های ناآشنا و حل مسائل جدید و همچنین ایجاد فشارهای روحی را که به سبب زندگی روزانه و امور غیرمنتظره پیش می آید ایجاد می نماید. اما برای ایجاد خلاقیت باید زمینه های متعددی فراهم آید هم در جامعه و هم در شخص (کاسیرر، آدی-جافا و ماشال[6]، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر برای آموزش و تغییر تواناییهای ذهنی و هوشی کودکان باید به تقویت و غنی سازی محیط آنان قبل از ورود به دبستان مبادرت ورزید، زیرا کودکان ضمن جستجو در محیط، با رویدادهایی رو به رو می شوند که علاقه آنان را جلب می کند. آنها به ویژه تحت تاثیر رویدادهایی قرار می گیرند که نسبتا تازگی دارند، یعنی رویدادهایی که با تجربه های قبلی آنان، کاملا منطبق نباشند. پس وظیفه آموزش پیش دبستانی افزودن توانایی است تا دانایی، زیرا کودک در آغاز اندیشه کاملا منطقی ندارد و لازم است مراحلی فراهم آورد که طی سپری کردن آن مراحل فکر منطقی کودک گسترش یابد. ذهن کودک وقتی به خوبی تحول می یابد که فعال باشد. کودک فقط چیزهایی را خوب فرا می گیرد که از راه مشاهده، تعمق، تجربه و فعالیت

[1] - Aichouni,
[2] - Torrance
[3] - Nazir
[4] - Fidan & Oztürk
[5] - Wallach & Kogan
[6] - Kasirer, Adi-Japha & Mashal

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]

شخصی آموخته باشد. در این میان موسیقی در کودکان، در تسریع و تقویت تواناییهایشان نقش مهمی ایفا می کند (پیاژه[1]، ۱۹۶۴؛ به نقل از پانگ، لو، لانگ، وانگ و لین[2]، ۲۰۲۰).

بنابراین یکی از روش های مداخله ای برای افزایش خلاقیت و هوش کودکان بسیار مورد توجه بوده است هنردرمانی است. از جمله مهمترین شاخه های هنردرمانی، موسیقی درمانی است. آموزش موسیقی در دهه های اخیر به منزله راهبردی موثر برای افزایش توانمندی های ارتباطی، شناختی و عاطفی کودکان به کار برده شده است. بسیاری از متخصصان و مربیان بر این باورند که پاسخهای موسیقایی کودک ارتجالی ترین و طبیعی ترین واکنشهای وی به شمار می روند و در زمینه های مختلف یادگیری نقش مهمی دارند (فاچینی و روئینی[3]، ۲۰۲۰). در این مطالعه بررسی تاثیر موسیقی مورد توجه ما است. موسیقی هنری است که حوزه عملکردش ترکیب آواها و صداهای سازی جهت ایجاد زیبایی فرم و یا بیان احساسی می باشد (پاتر، اسپرین و وان ییرین[4]، ۲۰۲۱). امروزه موسیقی تاثیرات نوروفیزیولوژیک آن مورد توجه بسیاری از محققان در سراسر دنیا می باشد. در حوزه روانشناسی، موسیقی را همچون زبان های رایج دنیا نوعی زبان دانسته اند، که مناطق خاص خود را در مغز دارد و همچون زبان، درک آن نیازمند آموزش است (آگلا و بوند[5]، ۲۰۲۰). لاگس[6] (۲۰۱۷)، در پژوهشی نشان داد که یادگیری موسیقی با افزایش بهره هوشی کودکان ارتباط مستقیم دارد. همچنین اثرات آموزش موسیقی روی حافظه، توجه انتخابی و توانایی فضایی در کودکان نقش مهمی دارد از سوی دیگر مشخص شده که موسیقی روی توانایی کودکان در حل مساله و خلاقیت اثرات مثبتی دارد علاوه بر این ها موسیقی باعث بهبود عملکرد افراد در درس نیز می شود.

بنابراین امروزه پرورش و تولید فکر، اندیشه و ایده والاترین هدفی است که در سرلوحه هر نظام فکری و تعلیم و تربیت هر قوم و ملتی است، آرزو و هدف ملت ها داشتن انسان های متفکر، متعهد، مبتکر و خلاق و با اندیشه های والاست، تا از طریق آنها بهترین شرایط زندگی فردی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را فراهم آورند (فرهادی پور و همکاران، ۱۳۹۴). یکی از مشکلات اساسی در وقوع این امر، عدم توجه به روش های مناسب آموزشی در ارتباط با پرورش تفکر و خلاقیت در دانش آموزان است. در کلاس های درسی ما، روش های بسیار قدیمی به کار گرفته می شود. چنانچه بخواهیم فراگیرندگان را به عنوان نیروی خلاق در آینده آماده کنیم، باید درک درستی از روش های آموزشی نوین داشته باشیم و این روش ها را امکانات و نیازهای خویش متناسب سازی کنیم و بعد در کلاس های درسی از آنها بهرمند شویم. سرعت رشد دانش بشری به گونه ای است که به طور مستمر قواعد نوین جای قواعد قبلی را می گیرد، لذا فراگیران باید به دانش و مهارت هایی مجهز باشند که در چالش های دنیای نوین در تنگنا قرار نگیرند. این هدف، متخصصان و معلمان آموزش و پرورش را ملزم می سازد تا روش هایی را به کار گیرند که به چنین دانش و مهارت هایی منجر شود (خدادادنژادی، ۱۳۸۸).

با توجه به مطالب ذکر شده در باب اهمیت موضوع، انجام هر گونه پژوهشی در این موارد می تواند راهگشای تحقیقات مشابه در این زمینه باشد تا هر چه بیشتر اهمیت خلاقیت و هوش عملی کودکان و راه ها و زمینه های رشد و پرورش آنها مشخص شود. از یافته های پژوهش حاضر نیز که تاثیر موسیقی را بر افزایش خلاقیت و هوش عملی تایید می کند می توان برای پرورش خلاقیت، هوش عملی و توانمندی های هنری و نیز پیشگیری از مشکلات تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی استفاده کرد و جامعه را از بسیاری از خسارت های اقتصادی و عاطفی حفظ نمود. به احتمال، آموزش و استفاده از خلاقیت افراد در کودکی می تواند به آنان کمک کند تا در بزرگسالی راه های بیشتری برای رو به رو شدن با مشکلات داشته باشند بدین ترتیب می

[1] - Piaget
[2] - Pang, Lu, Long, Wang & Lin
[3] - Facchini & Ruini
[4] - Pater, Spreen & van Yperen
[5] - Uggla & Bonde
[6] - LaGasse

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]

توان افراد را به سوی احساس توانمندی، کارآیی، توانایی حل مساله و برخورداری از سلامت روان سوق داد. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی موسیقی درمانی بر هوش عملی و خلاقیت در کودکان ۵ تا ۷ سال شهر تهران انجام شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، یک پژوهش کاربردی از نوع نیمه تجربی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل است که در آن فقط گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل قرار گرفت و گروه کنترل برنامه همیشگی خود را ادامه دادند. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه کودکان دختر و پسر ۵ تا ۷ سال مهد کودک های منطقه ۵ تهران تشکیل می دهد. انتخاب اعضای گروه نمونه به صورت تصادفی ساده انجام گرفت. بدین صورت که از بین مراکز مهدکودک منطقه ۵ تهران، دو مرکز و سپس از این مراکز، تعداد ۳۰ کودک (۱۴ پسر و ۱۶ دختر)، به صورت تصادفی در هر یک از گروه های آزمایش و کنترل جایگزین شدند (۸ دختر و ۷ پسر به عنوان گروه آزمایش و ۸ دختر و ۷ پسر به عنوان گروه کنترل). آزمودنی ها از نظر سن و جنس در دو گروه آزمایش و کنترل همتا شدند و سپس از کودکان هر دو گروه، آزمون وکسلر و خلاقیت تورنس به عمل آمد. پس از اجرای پیش آزمون در هر دو گروه، گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه، هفته ای دو جلسه تحت موسیقی درمانی به صورت گروهی قرار گرفتند. در خلال این مدت، گروه کنترل، برنامه طبیعی روزانه خود را طی کردند. بعد از اجرای موسیقی درمانی، میزان هوش عملی و خلاقیت هر دو گروه آزمایش و کنترل مجددا مورد بررسی قرار گرفتند.

جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه سنجش هوش عملی آزمون وکسلر کودکان (WPPSI-R) و سنجش خلاقیت تورنس استفاده شد. **آزمون وکسلر کودکان (WPPSI-R):** در این تحقیق، آزمون هوش وکسلر پیش دبستانی استفاده سد. آزمون هوشی وکسلر در سال ۱۹۳۹ زیر عنوان مقیاس هوشی وکسلر-بلوید تدوین شد. این آزمون از آزمون های هوشی مختلف از جمله آزمون تجدید نظر شده ۱۹۳۷ استنفورد-بینه ساخته شد. مقیاس اولیه وکسلر-بلوید برای بزرگسالان ساخته شده بود اما در سال ۱۹۳۹ وکسلر، مقیاس هوش وکسلر برای کودکان پیش دبستانی (WPPSI) را تدوین کرد به طور که با این آزمون هوش کودکان بین ۴ تا ۶ سال و نیم با همان روش آزمون بزرگسالان سنجیده می شد (مارنات، ۲۰۰۳؛ ترجمه شریفی، ۱۳۸۴). هوش آزمای وکسلر برای کودکان در حال حاضر یکی از بهترین انواع هوش آزمایی است که جهت سنجش هوش کودکان به کار می رود. آزمون تجدید نظر شده ی وکسلر کودکان پیش دبستانی دارای یک مقیاس کلامی و یک مقیاس عملی است. مقیاس کلامی دارای ۵ خرده آزمون به علاوه یک آزمون ذخیره (جمله سازی) و مقیاس عملی نیز دارای ۵ خرده آزمون است. که در این پژوهش تنها خرده مقیاس های هوش عملی اجرا شده است (تکمیل تصاویر، طرح هندسی، مازها، مکعب ها و خانه حیوانات). مقیاس های عملی موارد زیر را منعکس می سازند: ۱. درجه و مقدار ارتباط غیرکلامی فرد با محیط، ۲. توانایی یکپارچه کردن محرک ادراکی با پاسخ های حرکتی مناسب، ۳. استعداد کار کردن در موقعیت های محسوس یا عینی، ۴. توانایی ارزشیابی اطلاعات دیداری-فضایی، ۵. توانایی کار کردن سریع. وکسلر هوش را گنجایش فرد برای درک و فهم و فائق شدن بر محیط اطراف خویش تعریف می کند. مقیاس دارای مجموعه ای از آزمون ها برای ارزیابی توانایی های متفاوت است و ترکیب آنها، گنجایش و توانایی هوش کلی را ارائه می دهد. در این مقیاس از هوشبهر به عنوان موثرترین راه بیان میزان هوش کودک، در مقایسه با همسالان او، استفاده می شود و ضریب مورد استفاده در این مقیاس هوشبهر انحرافی است که وضعیت نسبی فرد را در مقایسه با میانگین همسالان وی ارائه می دهد که روش مورد استفاده برای محاسبه آن عبارت است از تبدیل نمره خام به نمره تراز شده که برای هر سطح سنی میانگین و انحراف استاندارد واحد دارد (میانگین ۱۰۰ و انحراف استاندارد ۱۵). رضویه و شهیم (۱۳۷۹) آغاز به ترجمه و هنجاریابی این مقیاس در شهر شیراز نمودند و سپس نتایج ان را به طور رسمی در سال ۱۳۶۸ منتشر ساختند و اعتبار مقیاس جدید را از طریق روش بازآزمایی برای هوشبهر کلامی، عملی و کل ۹۰٪، ۸۳٪، ۸۸٪ گزارش نموده اند. یکی از نشانه های روایی مقیاس وکسلر همبستگی بین خرده آزمون های مختلف است. اطلاعات حاصل از هنجاریابی نشانگر همبستگی مثبت آزمون ها با هم است. بررسی ها نشان می

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]

دهد که آزمون های کلامی با یکدیگر و آزمون های عملی با هم همبستگی بیشتری دارند. **آزمون سنجش خلاقیت تورنس:** ابزار اندازه گیر در این پژوهش آزمون تصویری تفکر خلاق تورنس (۱۳۶۶) است که از دسته آزمون های عملکردی است و تعدادی تکالیف باز پاسخ را در اختیار فرد می گذارد و از او می خواهد که هر چه قدر می تواند به تکلیف مورد نظر پاسخ دهد. دلیل انتخاب آزمون خلاقیت تورنس، کارایی و اعتبار و پایایی مناسب آن در پژوهش بود. این آزمون مکررا در پژوهش ها و اندازه گیری های تربیتی مورد استفاده قرار گرفته است. اشکال تصویری آزمونهای تفکر خلاق تورنس مستلزم پاسخ هایی است که به طور عمده ماهیت ترسیمی یا تجسمی دارند، استفاده از مجموعه آزمون های تصویری از سطح کودکستان تا سطوح بالاتر از دبیرستان توصیه گردیده است. تورنس خلاقیت را ترکیبی از چهار عامل اصلی می داند: ۱. سیالی: یعنی استعداد تولید ایده های فراوان، ۲. بسط: یعنی استعداد توجه به جزئیات، ۳. ابتکار: یعنی استعداد تولید ایده های نو و غیرمعمول و ۴. انعطاف پذیری: یعنی استعداد تولید ایده ها یا روش های بسط گوناگون. آزمون تصویری تفکر خلاق تورنس شامل سه فعالیت است: ۱. ساختن تصویر با استفاده از یک شکل ۲. تکمیل تصاویر ناقص ۳. ساختن تصویر با استفاده از خطوط موازی. تورنس (۱۹۹۰) پایایی مقیاس تصویری آزمون را بین ۹۴٪ تا ۹۹٪ گزارش کرده است. در نمونه ایرانی پیرخائفی (۱۳۷۲) اعتبار آزمون را به شیوه بازآزمایی بر روی ۴۸ دانش آموز در عناصر سیالی ۷۸٪، ابتکار ۷۴٪، انعطاف پذیری ۸۱٪ و در بسط ۹۰٪ گزارش نمود (به نقل از شریفی و داوری، ۱۳۸۸). ذکریایی و همکاران (۱۳۸۷) نیز با استفاده از نظر تعدادی از متخصصان روان شناسی تربیتی روایی محتوایی این آزمون را تایید نمودند و همچنین ضرایب اعتبار آزمون را برای عناصر سیالی ۸۶۸٪، ابتکار ۹۷۲٪، انعطاف پذیری ۹۲۰٪ و در بسط ۶۵۲٪ گزارش نمودند. **شرح جلسات موسیقی درمانی:** ۱) تن ارامی و تصویر سازی ذهنی-بازی با طبلک۱و۲و۳-بازی گل را بو کن و شمع را فوت کن، ۲) تن ارامی و تصویر سازی ذهنی-بازی زنگوله ها- کشف چوبک ها- بازی پا می کوبم۱و۲و۳- بازی جمجمک، ۳) این شکل را ساختم من ۱و۲- بازی زنگوله ها-کشف چوبک ها- بازی پا می کوبم۱و۲و۳- بازی جمجمک- بازی جمجمک- بازی با سازهای کارگاه ارف کودکان- ۴) بازی زنگوله ها- بازی جمجمک- بازی با طبلک ۱و۲و۳ به صورت کار گروهی، ۵) این شکل را ساختم من ۱و۲- کشف چوبک ها- بازی پا می کوبم۱و۲و۳- بازی با سازهای کارگاه ارف کودکان- بازی با طبلک ۱و۲و۳- بازی زنگوله ها.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار spss20 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

قبل از بررسی فرضیه ها نرمال بودن توزیع داده ها با استفاده از آزمون چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها نشان داد توزیع داده های متغیرهای پژوهش نرمال می باشد و بنابراین از آزمون کوواریانس استفاده شد. در ادامه به بررسی فرضیه های پژوهش پرداخته می شود.

جدول ۱: نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت میانگین های تعدیل شده نمرات موسیقی درمانی بر هوش عملی کودکان در گروه آزمایش و کنترل

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری	حجم اثر
پیش آزمون	۲۷۴۴.۵۷	۱	۲۷۴۴.۵۷	۱۸۳.۴۸	۰.۰۰۱	۰.۸۰
گروه ها (مستقل)	۸۸.۸۶	۱	۸۸.۸۶	۵.۹۴	۰.۰۲۳	۰.۲۰
واریانس خطا	۳۴۴.۰۴	۲۳	۱۴.۹۶	-	-	-

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]

	۳۹۰۵۰۹	۲۶	-
مجموع			

در جدول ۱ نتایج آزمون تحلیل کوواریانس پس آزمون با برداشتن اثر پیش آزمون بین دو گروه ارائه شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، چون مقدار F ماحسبه شده (۵/۹۴) با درجه آزادی ۱ و ۲۳ از مقدار F جدول بزرگتر است. بنابراین فرض پژوهش که عبارت بود از این که موسیقی درمانی بر افزایش هوش عملی کودکان موثر است. با اطمینان ۹۵/. تایید می گردد.

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت میانگین های تعدیل شده نمرات موسیقی درمانی بر خلاقیت کودکان در گروه آزمایش و کنترل

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری	حجم اثر
پیش آزمون	۱۷۲۵۳.۴۴	۱	۱۷۲۵۳.۴۴	۳۲۴.۸۸	۰.۰۰۱	۰.۹۳
گروه ها (مستقل)	۲۵۴۳.۴۳	۱	۲۵۴۳.۴۳	۴۷.۸۹	۰.۰۰۱	۰.۶۸
واریانس خطا	۱۲۲۱.۴۸	۲۳	۵۳.۱۱	-	-	-
	۱۸۷۲۴۶	۲۶	-			
مجموع						

در جدول ۲ نتایج آزمون تحلیل کوواریانس پس آزمون با برداشتن اثر پیش آزمون بین دو گروه ارائه شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول، چون مقدار F محاسبه شده (۴۷/۸۹) با درجه آزادی ۱ و ۲۹ از مقدار F جدول بزرگتر است، بنابراین فرض پژوهشی که عبارت بود از این که موسیقی درمانی بر افزایش خلاقیت کودکان موثر است. با اطمینان ۹۹/. تایید می گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی موسیقی درمانی بر هوش عملی و خلاقیت کودکان ۵ تا ۷ سال شهر تهران انجام شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که موسیقی درمانی بر هوش عملی کودکان تاثیر دارد. در مقایسه تطبیقی به تحقیقات و یافته های دیگر پژوهشگران، نتایج این بخش از پژوهش با تحقیقات سیادت (۱۳۹۰)، قهرمان زاده (۱۳۹۰)، کار و واندیور (۲۰۰۳) همسو است. ارزش های اجتماعی یادگیری موسیقی بر نظریاتی بنا شده است که بخشی از آنها به اثرات فراموسیقایی آموزش موسیقی در سنین کودکی اشاره دارد. قدمت این نظریه در جامعه آمریکا به بیش از یک قرن می رسد. در سال های اخیر، در این راستا پژوهش های علمی متعددی شده است که وجه اشتراک نتایج اکثر این تحقیقات موثر بودن یادگیری موسیقی بر رشد شناختی و تفکر انتزاعی و در کل هوش را در بر می گیرد. برخی پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که بین توانایی‌های موسیقایی و توانایی استدلال فضایی-زمانی (هوش عملی) ارتباط وجود دارد. نتایج تحقیقات پاتر و همکاران (۲۰۲۱) و مطالعات متعدد مشابهی که در مورد هوش عملی و تفاوت عملکرد دو نیمکره در آموزش موسیقی را بررسی کرده اند، نشان می دهد، هنگام فعالیت های موسیقایی، نیمکره چپ به طور اختصاصی عمل می کند (کیم[1]، ۲۰۱۷). این یافته در کنار این مطلب که نیمکره چپ بیشترین عملکرد را در هوش عملی و فرآیندهای ذهنی تجزیه گرایانه ای که دست مایه های استدلال تلقی می شوند بر عهده دارد (آیدین و ساهینر[2]، ۲۰۱۷)، ما را به این سمت رهنمون می کند که در صورت تقویت و تسهیل عملکرد این شبکه در نیمکره چپ (از طریق آموزش زود هنگام موسیقی)، توانایی ذهنی مربوط به این نواحی که شامل اجزای

[1] - Kim
[2] - Aydin & Sahiner

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]

مورد نیاز ذهن برای استدلال می شوند افزایش می یابد (استابس[1]، ۲۰۱۸). بنابراین یادگیری موسیقی با افزایش بهره هوشی ارتباط دارد. همچنین اثرات آموزش موسیقی روی حافظه، توجه انتخابی، توانایی های فضایی، ریاضیات و خواندن در کودکان شناخته شده است. از سوی دیگر مشخص شده که موسیقی روی توانایی کودکان در حل مساله اجتماعی (مهارت های اجتماعی و مهارت حل مساله) اثرات مثبتی دارد (یائو و فاچنر[2]، ۲۰۱۹) علاوه بر این ها موسیقی باعث بهبود عملکرد تحصیلی در افراد نیز می شود (پانگ و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین علت تاثیر آموزش موسیقی در افزایش هوش عملی کودکان را فعالیت ها و بازیهایی می توان دانست که توانایی کودکان را در یادگیری مفهوم و مهارت های حل مساله به طور غیرمستقیم افزایش می دهد. برای مثال، به طبقه بندی سازهای موسیقی بر اساس نوع ساز (ملودیک و غیرملودیک)، جنس (چوبی و فلزی)، نوع صدا (زیر، بم و متوسط)، اندازه (بزرگ و کوچک) و طبقه بندی نتهای موسیقی از لحاظ ارزش زمانی (کوتاه و بلند) می توان اشاره کرد. گرچه در فعالیت های عملی تمرینهایی وجود داشت که کودکان در آن مفهوم ردیف کردن و ترتیب را به طور غیرمستقیم می آموختند (برای مثال، آنها برای نواختن سازها، ابتدا باید یاد می گرفتند که چگونه مضراب را روی تیغه های ساز که از کوچک به بزرگ و بر اساس ترتیب نتهای موسیقی مرتب می شوند، بنوازند). بنابراین تاثیر سازنده هنر و فعالیت های هنری تا بدان جاست که به اعتقاد اشتاینر بانی آموزش و پرورش ولادورف، آموزش و پرورش چیزی جز هنر نیست (میلر، ۱۳۸۷).

همچنین نتایج نشان داد که موسیقی درمانی باعث افزایش خلاقیت در کودکان شده است. نتایج پژوهش با یافته های (نورث، ۲۰۱۴؛ مالوری، ۲۰۱۲) همخوانی دارد. یکی از حوزه های مهمی که هم ابعاد آموزشی و هم درمانی در زمینه خلاقیت را در بر می گیرد حوزه هنر است. هنر در طول تاریخ وسیله ای برای سازگاری، انعطاف، خلاقیت، عشق، دوستی و آرامش انسان بوده است. در میان هنرها موسیقی به دلیل انرژی زایی، تحرک، امکان انتزاع زیاد و جاذبه ذاتی بسیار نافذ بوده و به طرز فوق العاده ای بشر را به خود جذب کرده است (زاده محمدی، ۱۳۸۸). آموزش موسیقی در دهه های اخیر به منزله راهبردی موثر برای افزایش توانمندی های ارتباطی، شناختی و عاطفی کودکان به کار برده شده است. بسیاری از متخصصان و مربیان بر این باورند که پاسخهای موسیقایی کودک ارتجالی ترین و طبیعی ترین واکنشهای وی به شمار می روند و در زمینه های مختلف یادگیری نقش مهمی دارند. تاثیر مثبت موسیقی بر عملکرد مغز انسان و کاربردهایش مطلب تازه ای نیست. چنین اثراتی به خصوص در مورد انواع خاصی از موسیقی کلاسیک بیان شده و به کار گرفته شده است. به خصوص در حوزه خلاقیت که خود در دهه های اخیر مورد کاوش و بررسی می باشد. مطالعات مشابهی که این تاثیر را به طور مستقیم بسنجند اندک هستند. این مطالعه توانست تاثیر مثبت موسیقی بر افزایش عملکرد توجه و همچنین عملکرد حافظه عملی را در افراد نشان دهد. در این مطالعه از چندین جنبه نشان داده شد که اثرات گوش دادن موسیقی در کوتاه مدت بلافاصله ظاهر شده و می توان آن را در معیارهای استاندارد شده و پذیرفته شده همچون مهارت حل مساله، خلاقیت و بهره حافظه و امتیاز حافظه وکسلر به خوبی مشاهده کرد. به این ترتیب می توان از موسیقی در بسیاری از موقعیت های استرس زای بالینی و غیربالینی نیز استفاده کرد. امید است با شناخت بیشتر تاثیرات موسیقی راه برای کاربردهای عملی موسیقی در حوزه های مختلف باز شود. موسیقی درمانی یک روش معتبر و شناخته شده در جهان است که از جهاتی شبیه به کار درمانی و ورزش درمانی می باشد، از این شیوه به عنوان راه حل جسمی، روانی، شناختی، رفتاری و یا کارکرد اجتماعی نیز استفاده می گردد، زیرا موسیقی درمانی ابزاری قدرتمند می باشد و می تواند نتایج بی نظیری را بر جا می گذارد (ریچارد و همکاران، ۲۰۱۴). پژوهش های گوناگون تاثیر روشهای موسیقی درمانگری را به عنوان ابزاری موثر برای تقویت رفتارهای کودکان نشان می دهد. فعالیت های حسی و حرکتی موسیقایی در سطوح مختلف رفتاری و انگیزشی با ایجاد فضایی ایمن، محرک و خوشایند، امکان برقراری ارتباط

[1] - Stubbs
[2] - Yau & Fachner

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]

درمانی، گسترش تجربیات فردی و گروهی و همچنین افزایش عملکرد انطباقی کودکان را فراهم می سازد (زاده محمدی و همکاران، ۱۳۸۵).

پژوهش حاضر مانند هر پژوهش دیگر محدودیت هایی داشته است که بیان آنها می تواند یافته ها و پیشنهادهای پژوهش را صراحت بخشیده و برای پژوهش های بعدی، جهت مقابله با عوامل محدود کننده روایی درونی و بیرونی، کمک کننده باشد. از جمله محدودیت های این پژوهش می توان به این موارد اشاره کرد که این پژوهش بر روی گروهی از کودکان مراکز مهدکودک منطقه ۵ تهران انجام شده است و در نتیجه قابلیت تعمیم یافته های آن محدود است. همچنین از آنجا که این پژوهش بر روی گروهی از کودکان ۵ تا ۷ سال انجام شده است و تعمیم نتایج آن به محدود است. در نهایت عدم وجود آزمون پیگیری به دلیل محدودیت زمانی نیز می تواند یکی از محدودیت های پژوهش حاضر باشد. با توجه به یافته های موثر این پژوهش، پیشنهاد می شود به منظور آگاهی و شناخت والدین، جلسات توجیهی برای به کارگیری موسیقی، در جهت ارتقاء توانایی های خلاق و هوش کودکان برگزار شود. همچنین برای آموزش به مربیان مراکز مهد کودک ها در مورد چگونگی به کار گرفتن موسیقی و سایر فعالیت های هنری در جهت کمک به بهبود مهارت های مختلف روان شناختی کودک، کارگاه های تخصصی برگزار شود.

منابع

پاکیزه، علی. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر شیوه ی آموزشی تلفیقی هنر بر خلاقیت و یادگیری دانش آموزان پسر سال اول دبستان. *فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه ی آموزش علوم پزشکی*، سال ششم، شماره ۱.

خدادادنژاد، علی. (۱۳۸۸). تأثیر روش تدریس همیاری بر نگرش و پیشرفت تحصیلی درس ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان گچساران. *اندیشه های تازه در علوم تربیتی*، شماره ۱۷، دوره ۲، صص: ۸۴-۷۳.

رضویه، اصغر و شهیم، سیما. (۱۳۷۹). *مقیاس هوشی وکسلر برای دوره پیش دبستانی*. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.

زاده محمدی، علی. (۱۳۸۸). کاربردهای موسیقی درمانی در زمینه های روانپزشکی، پزشکی و روانشناختی. چاپ سوم، تهران: انتشارات اسرار دانش.

زاده محمدی، علی؛ ملک خسروی، غفار؛ صدرالسادات، سیدجلال و بیرشک، بهروز. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر موسیقی درمانگری فعال بر کاهش اختلالات رفتاری وعاطفی کودکان بی سرپرست و بدسرپرست. مجله روانشناسی، سال دهم، شماره، ۲.

سیادت، بهجت السادات. (۱۳۹۰). *بررسی تاثیر آموزش هنر بر خلاقیت دانش آموزان دختر دوره ابتدایی شهرستان اسلامشهر سال تحصیلی ۸۹-۹۰*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

فرهادی پور، محمدامین؛ عباسی، عفت و کریم زایی، سمیرا. (۱۳۹۴). مقایسه اثربخشی روش تدریس تفکر استقرایی و روش تدریس کاوشگری بر خلاقیت دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی. *پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی)*، دوره ۱۲، شماره ۱۹، صص: ۲۱-۱۰.

قهرمان زاده، رویا. (۱۳۹۰). *اثربخشی نقاشی درمانی بر افزایش خلاقیت و کاهش خشم دانش آموزان دختر پایه دوم راهنمایی شهر ماکو*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

کیوانی، مهسا و جعفری، اصغر. (۱۳۹۴). تاثیر آموزش راهبردهای فراشناختی در افزایش خلاقیت و بهبود علمکرد تحصیلی دانش آموزان. *نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، سال هشتم، شماره ۳۰، صص: ۱۱۶-۹۹.

میلر، ج پ. (۱۳۸۷). نظریه های برنامه درسی. ترجمه: م.مهرمحمدی. تهران: انتشارات سمت (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۸۳).

Aichouni, M., Touahmia, M., Al-Ghamdi, A., Ait-Messaoudene, N., Al-Hamali, R. M., Al-Ghonamy, A., & Al-Badawi, E. (2015). Creativity and Innovation among Gifted Saudi Students-An Empirical Study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *195*, 1371-1379.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]

Aydin, D., & Sahiner, N. C. (2017). Effects of music therapy and distraction cards on pain relief during phlebotomy in children. *Applied Nursing Research*, *33*, 164-168.

Carr, M. B., & Vandiver, T. A. (2003). Effects of instructional art projects on children's behavioral responses and creativity within an emergency shelter. *Art Therapy*, *20*(3), 157-162.

Facchini, M., & Ruini, C. (2020). The role of Music Therapy in the treatment of children with cancer: a systematic review of literature. *Complementary Therapies in Clinical Practice*, 101289.

Fidan, T., & Oztürk, I. (2015). The relationship of the creativity of public and private school teachers to their intrinsic motivation and the school climate for innovation. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *195*, 905-914.

Kasirer, A., Adi-Japha, E., & Mashal, N. (2020). Verbal and figural creativity in children with autism spectrum disorder and typical development. *Frontiers in Psychology*, *11*.

Kim, J. (2017). Effects of community-based group music therapy for children exposed to ongoing child maltreatment & poverty in South Korea: A block randomized controlled trial. *The Arts in Psychotherapy*, *54*, 69-77.

LaGasse, A. B. (2017). Social outcomes in children with autism spectrum disorder: a review of music therapy outcomes. *Patient related outcome measures*, *8*, 23.

Mallory C. (2012). The effect of music on math and science standardized test scores. Unpublished bachelor thesis faculty of Worcester polytechnic.

Nazir, S. (2020). Creativity in Schools: A 21st Century Need. *The Pakistan Development Review*, *59*(2), 311-320.

North. F (2014). Music, communication, relationship: A dual practitioner perspective from music therapy/ speech and language therapy. Psychology of Music2014, Vol. 42(6) 776–790

Pang, W., Lu, Y., Long, H., Wang, Q., & Lin, L. (2020). Three-generational families: Are they beneficial to Chinese children's creativity?. *Thinking Skills and Creativity*, *35*, 100623.

Pater, M., Spreen, M., & van Yperen, T. (2021). The developmental progress in social behavior of children with Autism Spectrum Disorder getting music therapy. A multiple case study. *Children and Youth Services Review*, *120*, 105767.

Rickard. S. , Appelman. P,. James. R. , Murphy. F. , Gill. A. & Bambrick. C (2014). Orchestrating life skills: The effect of increased school-based music classes on children's social competence and self-esteem**.** International Journal of Music Education08/2013; 31(3):292-309**..**

Stubbs, R. M. (2018). A review of attachment theory and internal working models as relevant to music therapy with children hospitalized for life threatening illness. *The Arts in Psychotherapy*, *57*, 72-79.

Uggla, L., & Bonde, L. O. (2020). Music therapy for children going through haematopoietic stem cell transplantation.

Wallach, M. A., & Kogan, N. (2020). Creativity and intelligence in children. In *Human intelligence* (pp. 165-180). Routledge.

Yau, K. C., & Fachner, J. (2019). Effects of motifs in music therapy on the attention of children with externalizing behavior problems. *Psychology of Music*, 0305735619880292.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-10]